

نگاهی گذرا به مسئله زکات در قرآن

<"xml encoding="UTF-8?">

زکات مال بدر کن که فضله رز را
چو باغبان ببرد بیش تر دهد انگور
سعدی

معنای زکات

اصل زکات - چنان که راغب اصفهانی در مفردات آورده - به معنای رشد و نمو است. (1)
در لغت نامه دهخدا به نقل از کشاف اصطلاحات الفنون آمده است که زکات در لغت به معنای نمو و افزایشی است که به برکت خداوند متعال در اشیا حاصل آید؛ و نیز آمده که زکات مقدار معینی است از مال که مسلمان آزاد مکلف از اموال معین خود پس از حصول نصاب و گذشتن یک سال خارج ساخته و تنها برای امتثال امر خدا به فقیر مسلمان غیرهاشمی می دهد. آنچه گفته شد زکات مال است و لیکن زکات را قسمتی است به نام زکات سر، که آن را فطره خوانند... (2)

کاربردهای متفاوت

در قرآن کریم کلمه زکات و مشتقات مختلف آن در معانی متعددی استعمال شده است؛ اگرچه اکثر آنها در مورد زکات مال است؛ اعم از واجب یا مستحب.

برخی از مواردی که مراد از آن زکات اصطلاحی نیست عبارتند از:

الف) زکات به معنای پاک بودن و طهارت نفس

1 - «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» (3)؛ «بی گمان رستگار شد هر که نفس را پاک نمود.»

2 - «وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ» (4)؛ «اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود هرگز کسی از شما پاک نمی شد.»

3 - «قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا» (5)؛ «[جبرئیل یا روح القدس به مریم] گفت: من فقط فرستاده پروردگارت هستم تا به تو پسری پاکیزه ببخشم.»

ب) زکات به معنای مدح

این معنا نیز با معنای اول؛ یعنی پاکی و پاکیزگی بیگانه نیست، بلکه به همان باز می گردد؛ چه این که مدح و ستایش نفس، چیزی جز پاکیزه نشان دادن آن نیست، و شارع مقدس از آن نهی کرده است:

1 - «فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى» (6)؛ «پس خود را مستایید که او داناتر است به آنکه پرهیزکاری کرده است.»

2 - «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ» (7)؛ «آیا به کسانی ننگریستی که خویششان را به پاکی می ستایند و حال آنکه خداست که هر که را بخواهد پاک می گرداند - یا به پاکی می ستاید - و به اندازه رشته

هسته خرمایی ستم نشوند.»

زکات، آیین همه پیامبران

این مهم را می توان با مراجعه به قرآن کریم دریافت (8) که به مواردی از آن اشاره می کنیم:

در آیین حضرت موسی علیه السلام : سوره بقره، آیات 43 و 83.

در زمامداری حضرت یوسف علیه السلام : سوره یوسف، آیه 88.

در شریعت حضرت عیسی علیه السلام به عنوان سفارشی از سوی خداوند سبحان، از زبان آن پیامبر الهی در هنگام کودکی چنین آمده است:

«وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (9)

در توصیه های مستمر و مکرر حضرت اسماعیل علیه السلام به قوم و قبیله و خانواده اش: «وَوَكَانَ يُأْمُرُ أَهْلَهُ
بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ». (10)

قرآن و ستایش زکات دهندگان

در قرآن کریم، پرداختن زکات نشانه نیکی و جوانمردی و نمودی از صداقت ایمان در عمل و علامت خداترسی و پرهیزکاری معرفی شده است. مضمون این نکات در آیه 177 سوره بقره نهفته است که در اینجا به ترجمه آیه اکتفا می کنیم:

«نیکی، [تنها] این نیست که [به هنگام نماز] روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب کنید، [و تمام گفت وگوهای شما درباره قبله و تغییر آن باشد (11)] بلکه نیکوکار کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورده و مال [خود] را، با همه علاقه ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می کند، نماز به پا می دارد و زکات می پردازد، و [همچنین] کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می کنند، و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ استقامت می کنند، اینها کسانی هستند که راست می گویند، آنان همان پرهیزکارانند.»
در خلاصة المنهج (12)، که تلخیص تفسیر منهاج الصّادقین مرحوم ملا فتح الله کاشانی است در ذیل این آیه آمده است:

«این آیه متضمن جمیع کمالات انسانی است و هر که این صفتها را دارد انسان کامل است، چنان که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرموده: " مَنْ عَمِلَ بِهَذِهِ الْآيَةِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ الْإِيمَانَ " ؛ " یعنی هر که عمل به این آیه کند در ایمان کامل باشد " و باید دانست که تصدق بر گروه مذکوره موجب ثواب جمیل و اجر جلیل است؛ اما بر ذوی القربی موجب ضعیف اجر است؛ یکی مزد قرابت و دیگری مزد صدقه.

از علی بن الحسین علیه السلام مروی است که ابوحمزه ثمالی را گفت که می خواهی بر خوشحالی تمام تو را بمیرانند و همه گناه تو را بیامرزند؟ باید که نیکویی کنی و صدقه سِرّ نمایی و صله رحم کنی که این صفت عمر را زیاد کند و درویشی ببرد و هفتاد نوع مردن بد از صاحبش دفع کند؛ پس صدقه به اقارب موجب اجر دنیا و ثواب عقبی است و لهذا از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله مروی است که بهترین صدقه صدقه کسی است که بر ذی رحم خود دهد و نیز فرمود: هر که عهده دار مخارج زندگی یتیم فقیری شود تا آنکه یتیم از او بی نیاز شود حق تعالی بهشت را بر او واجب گرداند.

اما مساکین، در خبر صحیح آمده که حضرت رسول صلی الله علیه و آله دعا فرمود: بار خدایا! مرا با مسکینان هم نشین کن در دنیا و آخرت. یکی از زوجات آن سرور گفت: یا رسول الله! چرا این دعا را می کنی؟ فرمود: برای اینکه ایشان پیش از توانگران به چهل سال به بهشت روند، بعد از آن فرمود: با مساکین دوستی کنید و تصدق نمایید. ایشان را اگر چه به نیم خرما باشد و زجر مکنید و نومید ننمایید تا حق تعالی شما را به رحمت خود نزدیک گرداند. از ابی عبدالله علیه السلام مروی است که حق تعالی فرمود که هیچ چیزی نیست مگر که کسی را موکل ساخته ام که آن را قبض می کند، مگر صدقه درویشان را که من به دست قدرت خود آن را قبض می کنم و کسی را در قبض آن وکیل نمی گردانم، اگر چه نیم خرما باشد که من آن را قبض کنم و پرورش دهم چنانکه گره اسب یا گره شتر را پرورند، و چون روز قیامت شود من آن صدقه را به مقدار کوه احد رسانیده باشم، پس آن را به وی رد کنم. اما ابن السبیل، مروی است که هر که غریبی را بنوازد حق تعالی مهمّات دنیا و آخرت او را روا گرداند و در قبر و در نزد صراط و حساب و میزان غریب نباشد بکله در این مواضع با او جمعی باشند و از هول آن وی را ایمن گردانند. اما فی الرقاب: عبدالله بن سهل از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که بنده مکاتب را یاری دهد قدری از مال تا با آن خود را از خواجه خود باز خرد تا از بندگی خلاص شود در سایه خدا و حمایت او باشد در روزی که هیچ نباشد مگر سایه رحمت او.

ابن غازب روایت کرد که اعرابی ای نزد رسول خدای آمد و گفت: یا رسول الله! مرا علمی بیاموز تا مرا به بهشت رساند. فرمود که بنده ای را آزاد کند و گردن کسی را که به بند بندگی در بند باشد خلاص گرداند. و بدان که وفای به عهد از خصلت انبیا و اولیاست و لهذا حق تعالی ابراهیم خلیل را به این صفت مدح فرمود که «وَ اِبْرَاهِیْمَ الَّذِی وَفَّی» (13) و در حق امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «یُوفُّونَ بِالْاِذْرِ» (14) و در حدیث صحیح آمده که ایمان ندارد هر که امانت ندارد و دین ندارد هر که وفا به عهد نکند.

اما صبر بر فقر و فاقه، جهاد اکبر است با نفس و شیطان و آن از خصال اولیا و مقربان درگاه است. عبدالله عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که روز قیامت منادی از قِبَلِ رَبِّ الْعَرْزِ ندا کند که کجایند درویشان صابر؟ ایشان به لبیک، جواب باز دهند. حق تعالی ایشان را در پس پرده ها در آورد که جز مقربان در آن نروند، پس به ایشان خطاب کند: ای بندگان من! دنیا را که از شما باز گرفتیم برای کرامت شما بود در این روز؛ نه برای خواری شما، بروید و هر کس که شما را لقمه ای یا شربتی آب داده با خود در بهشت درآرید.

اما ثواب صبر در بیماری: در خبر است که فردای قیامت اصحاب بلا و بیماری را در عرصات حاضر کنند و عوضهای بی شمار و بی اندازه به ایشان رسانند بر وجهی که هیچ کس مثل آن را ندیده باشد و در خاطر نگذرانیده، و چون اهل صحت، آن مرتبه بلند را ببینند تمنا کنند که کاش در دنیا اعضای ایشان را ذره ذره می کردند و به انواع بیماری گرفتار می بودند تا به این مرتبه می رسیدند.

اما صبر در کارزار این است که می فرماید: «اولئک علیهم صلوات من ربهم و رحمة» (15) و در حدیث است که ثواب ایشان در مرتبه ای باشد که به وهم هیچ کس در نیامده باشد.

در مجمع آورده که اصحاب ما استدلال کرده اند بر آنکه مراد به این آیه، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ زیرا که میان امت هیچ خلاقی نیست در آنکه آن حضرت جامع جمیع این خصال پسندیده بود و معلوم نیست که غیر او جامع این صفات بوده باشد.

زکات، مایه برکت مال

انفاق مال در راه خدا که یکی از نمودهای بارز آن پرداخت زکات اموال است موجب برکت و افزایش مضاعف آن می گردد.

خداوند سبحان در قرآن کریم می فرماید:

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (16)

«داستان آنان که مالهای خویش را در راه خدا انفاق می کنند داستان دانه ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد و خدا هر که را که خواهد - دو یا چند برابر - فزونی دهد و خداوند فراخی بخش و داناست.»

در تفسیر شریف مخزن العرفان، ذیل این آیه آمده است:

«از آیات قرآنی و احادیث نبوی و غیر آن چنین استفاده می شود که یکی از ارکان دین اسلام انفاق فی سبیل الله و اعانت و دستگیری فقرا و مستمندان است؛ بلکه توان گفت بعد از اصول معارف، اسلام روی دو پایه می چرخد یکی صلات (نماز)، دیگری زکات. اگر یکی از این دو پایه خلل یابد چرخ تمدن اسلامی فعالیت خود را از دست می دهد.

نمی بینی چگونه در کلام مجید مکرر در مکرر امر به صلات و زکات می نماید و اینکه در بسیاری از آیات، زکات را مقارن به صلات گردانیده، شاید سرّش همین باشد که اگر این دو اصل روی میزان صحیح انجام گرفت پیکر اسلام تعادل و استقرار می یابد؛ زیرا که به صلات مقام عبودیت که جوهر و لبّ معرفت است محقق می گردد و به زکات و انفاق مال، تمدن جامعه بشری که مقدمه کسب سعادت و فضیلت است منظم می شود، آن وقت اسلام روی پایه صحیح استوار می گردد.

هر جامعه ای که افق افراد آن از جهت معاش و زندگانی نزدیک به هم باشد و روی قانون منظمی که هر مرتبه ای نسبت به مرتبه بالاتر به یک درجه و اندک تفاوتی بین آنان باشد آن جامعه متعادل و افراد آن با هم متوافق و هر یک به وظیفه خود عمل می نمایند. لیکن اگر جامعه، تعادل خود را از دست داده و بین افراد از حیث ثروت و مال تفاوت فاحش پدید گردیده نفاق و دشمنی بین آنان شیوع می نماید و در نتیجه هیچ یک از افراد به وظیفه خود عمل نمی کند و چون قانون مضبوطی بین آنها حکم فرما نیست آن جامعه به زودی منحل می گردد. و نیز چون دنیا مقدمه آخرت است و چنانچه گفته اند: «من لا معاش له لا معاد له» کسی که امور معاشش منظم نگردید هرگز امور معادش نیز منظم نخواهد شد؛ این است که مقتنّ قانون اسلام اکیدا امر فرموده به انفاق مال که اغنیا فقرا را از قسمتی از مال خود بهره مند گردانند که هم فقیر از سختی فقر رهایی یابد و [هم] اغنی با آن علاقه مفراطی که نسبت به مال خود دارد اگر در راه خدا انفاق نماید لایق پاداش بزرگ گردد.

این است که شارع اسلام گاهی به وعده ثواب و گاهی به وعید و تهدید به عذاب و گاهی به نموّ و زیاد شدن مال و گاهی به غفران و جبران گناه، مردم را تشویق و تحریص می گرداند بر انفاق مال برای اینکه افق زندگانی فقیر قدری بالا رود و اغنیا نیز قدری از مالشان کاسته گردد و به این وسیله فقرا و اغنیا با هم اتفاق نمایند و دست به دست هم داده کاخ تمدن را بالا برند و تمام افراد جامعه با هم زندگانی آرامی نمایند و دنیا و آخرت خود را اصلاح گردانند، و نیز قدری از محبت دنیا که ناشی از مال و ثروت است از دل اغنیا بیرون رود و به این وسیله به رحمت حق تعالی نزدیک گردند.» (17)

در آیه دیگر ضمن مقایسه ربا و زکات، ربا خواری را تقبیح و مایه بی برکتی و زکات را سبب برکت و فزونی مال برشمرده می فرماید:

«وَمَا أَتَيْتُم مِّن رَّبٍّ لَّيْرٍ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرِبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا أَتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» (18)

«آنچه به عنوان ربا می پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد، نزد خدا فزونی نخواهد یافت، و آنچه را به عنوان زکات می پردازید و تنها رضای خدا را می طلبید [مایه برکت است، و] کسانی که چنین می کنند دارای پاداش مضاعفند.» صاحب اطیب البیان (19) ذیل آیه می نویسد:

«توضیح کلام اینکه ربا به این معنی است که چیزی را بدهد و در عوض زیادتی بگیرد و این سه قسم است: قسم اول اینکه قرض بدهد و شرط زیادتی بکند؛ این حرام بلکه جنگ با خدا و رسول است؛ چنانکه می فرماید: " کسانی که ربا می خورند، [در قیامت] برنمی خیزند [از گور] مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده [و نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، گاهی زمین می خورد، گاهی به پا می خیزد] این به سبب آن است که گفتند: داد و ستد هم مانند ریاست [و تفاوتی میان آن دو نیست] در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام [زیرا فرق میان این دو بسیار است]. " (20) و نیز می فرماید: " ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر به واقع مؤمنید، از خداوند پروا کنید و بازمانده ربا را رها کنید. اگر [چنین] نکردید بدانید که به جنگ خدا و رسولش برخاسته اید... " (21) و از این آیه بوی کفر برخاسته می شود و امروز (22)، معمول تمام بانکها و تجارتخانه ها و ادارات و بسیاری از افراد ناس است.

قسم دوم اینکه قرض می دهد ولی شرط زیاده نمی کند و لیکن طمع آن دارد که در موقع ادا، مدیون زیادتر رد کند. یا هدیه و تحفه می دهد به امید آنکه طرف مقابل بیش تر و بهتر به او رد کند که گفته اند: کاسه جایی رود که قدح باز آید؛ مثلاً خانه عروس و داماد یا مسافری که از سفر می آیند چشم روشنی می دهند به طمع سوغات و امثال اینها. این حرام نیست ولی اجر و ثواب ندارد و آیه مورد بحث «وَمَا أَتَيْتُم مِّن رَّبٍّ لَّيْرٍ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ» این قسم را بیان می فرماید.

قسم سوم اینکه خالصاً لوجه الله انفاق می کند مثل زکوات و اخماس و صدقات و صله ارحام و بذل فی سبیل الله به امید اینکه خداوند به اضعاف مضاعف به او عنایت فرماید؛ چنانکه جزء اخیر آیه می فرماید «وَمَا أَتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ» و قبلاً هم در سوره بقره، آیه 261 گذشت که " مَثَلُ [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می کند و خداوند گشایشگر داناست. "»

موارد مصرف زکات در قرآن

در قرآن کریم موارد مصرف زکات به هشت مورد اختصاص یافته و چنین تصریح شده است:

«إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْغَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

«همانا [مصرف] صدقات [زکاتها] منحصر برای فقیران است و درماندگان و متصدیان و کارپردازان اداره صدقات و برای تألیف قلوب [یعنی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام] و آزادی بندگان و قرض داران و در راه خدا [یعنی در راه تبلیغ و رواج دین خدا] و در راه ماندگان. این مصارف هشتگانه، فرض و حکم خداست درباره صدقه و

خدا دانای حکیم است [به مصالح شما].»

از آنجا که درباره این موارد به تفصیل در همین شماره بحث شده، از توضیح بیش تر خودداری می کنیم.

پی نوشت ها :

1 - مفردات، راغب اصفهانی، ماده زکات.

2 - لغت نامه، علی اکبر دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1377، ج 9، ص 12887.

3 - سوره شمس (91) آیه 9.

4 - سوره نور (24) آیه 21.

5 - سوره مریم (19) آیه 19.

6 - سوره نجم (53) آیه 32.

7 - سوره نساء (4) آیه 49.

8 - به ویژه با توجه به تدبیر در کریمه 73 سوره انبیاء که در پی یادکردی از حضرت ابراهیم، حضرت لوط و اسحاق و یعقوب علیهم السلام می فرماید: «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بامرنا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ اِقَامَ الصَّلَاةِ وَ اِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»؛ «و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند، و انجام کارهای نیک و برپا داشتن نماز و ادای زکات را به آنها وحی کردیم، و تنها ما را عبادت می کردند.»
در ادامه این آیات از این پیامبران نیز نام برده شده است: نوح، داوود، سلیمان، ایوب، ادريس، ذوالکفل، یونس (ذی النون)، زکریا، که می توان عمومیت شمول حکم زکات را نیز از آن استفاده کرد.
9 - سوره مریم (19) آیه 31. «و مرا هر جا که باشم با برکت ساخته، و تا زنده باشم به نماز و زکات سفارشم کرده است.»

10 - سوره مریم (19) آیه 55. «و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد.»

11 - جوش و خروشی که اهل کتاب پس از تغییر قبله از خود نشان می دادند و اصل قبله را هدف نهایی آیین می نمایانند اثری در تفکر نو مسلمانان گذارده بود. این آیه پس از حکم تحول قبله و اسرار آن و بیان بعضی احکام و در مقدمه احکام دیگر مسلمانان را مورد خطاب قرار داده هشیار می نماید تا چون دیگران دچار اشتباه نشوند و قبله و دیگر احکام و شعارها را مقصود و هدف اصلی نپندارند و بدانند که اینها همه وسیله و مقدمه است برای تربیت عالی انسان چنان که آماده نمودن خاک و بذر و نهال، وسیله ای برای تربیت درخت و بوته و همه برای فراهم ساختن میوه و گل است. (پرتوی از قرآن، ج 2، ص 48).

12 - ج 1، ص 98.

13 - سوره نجم (53) آیه 37 : و ابراهیم که تمام ادا کرد [وفای به عهد را].

14 - سوره انسان (76) آیه 7 : به عهد و نذر خود وفا می کنند.

15 - سوره بقره (2) آیه 157 : بر اینان درود پروردگارشان و رحمت او باد....

16 - سوره بقره (2) آیه 261.

17 - تفسیر مخزن العرفان، بانو امین، ج 2، ص 416.

18 - سوره روم (30) آیه 39.

19 - اطيّب البیان، طیب اصفهانی، ج 10، ص 392.

20 - سوره بقره (2) آیه 275.

21 - سوره بقره (2) آیه 278 و 279.

22 - منظور پیش از انقلاب اسلامی است.